

«جامعه‌شناسی آموزش و پرورش» از جمله موضوعاتی است که دبیران محترم علوم اجتماعی و مطالعات اجتماعی بدان نیاز دارند. به‌خصوص که جزو سرفصل‌های کتب درسی و موضوعات و مسئله‌های مبتلا به کارگزاران حوزه آموزش و اجراسست و از طرفی در آموزش‌های ضمن خدمت فرهنگیان، مباحث این علم موجب گستردگی بینش و تعدیل رفتار دبیران عزیز با اولیای مدرسه و دانش‌آموزان می‌شود. ما در این «پرونده ویژه» نکته‌هایی را گردآوری کرده‌ایم که از طریق مطالعه آنها با ابعدی از این دانش آشنا می‌شوید. در این شماره سه نکته مهم انتخاب و بازنویسی شده‌اند.

# نقشها

انتخاب و بازنویسی: محمود اردوخانی

## تجزیه و تحلیل عناصر جامعه

از دیدگاه قرآن کریم «عناصر جامعه» چیست؟ پشتوانه‌های یک ترکیب اجتماعی را چه عواملی تشکیل می‌دهند؟ قرآن کریم در پاسخ به این دست پرسشها که سخنی از نخستین آفرینش انسان است، می‌فرماید: «آن‌گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت که من در زمین جانشینی قرار خواهم داد، فرشتگان [گفتند: آیا در آن کسی را می‌گماری که فساد انگیزد و خون‌ها بریزد؟ و حال آن‌که ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم، و به تقدیست می‌پردازیم. فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید» [بقره/ ۳۰].

از مفاد این آیه شریفه سه عنصر را در ارتباط با جامعه می‌توان تشخیص داد:

۱. انسان

۲. زمین بمثابه بستر و زیست‌گاه اجتماعی و طبیعی؛ «انی جاعل فی الارض خلیفه» (من در زمین جانشینی خواهم گمارد). در این جا زمین یا طبیعتی مطرح است و انسانی که خداوند او را در زمین قرار می‌دهد.

۳. رابطه ولایی (دوستدارانه و مداخله‌گرایانه) که انسان را به زمین یا طبیعت از یک‌سو و با برادرش-انسان دیگر- از سوی دیگر پیوند می‌دهد. این رابطه و پیوند معنوی را خداوند در قرآن «جانشینی» می‌نامد. و البته در جای دیگر پیوندها را با تعبیر بعضهم اولیاء بعضی چه درباره جمعیت مؤمنان و چه پیوندهای اجتماعی جامعه منافقان بیان می‌دارد.

با مطالعه جوامع بشری پی می‌بریم که تمام این جوامع در عناصر اول و دوم مشترک هستند. هیچ جامعه‌ای نیست که در آن انسانی نباشد که با هم‌نوع و برادرش یعنی انسان دیگر هم‌زیستی نکند؛ چنان‌که هیچ جامعه‌ای بدون زمین یا طبیعتی که انسان نقش اجتماعی خود را در آن ایفا کند، وجود ندارد. تمام جوامع بشری از ابتدای تاریخ تاکنون در این دو عنصر مشترک‌اند. اما عنصر سوم یعنی رابطه، گرچه در هر جامعه‌ای به نوعی وجود دارد، ولی طبیعت، کیفیت، ساخت و بافت این پیوند در جوامع مختلف، با هم تفاوت دارد. بدین ترتیب، عنصر سوم همان عنصر دارای انعطاف و پویایی بین دیگر عناصر جامعه است. هر جامعه‌ای این پیوند معنوی بین انسانها با یکدیگر و انسانها با طبیعت را به گونه‌ای می‌سازد که گاهی با دیگر جوامع هماهنگ و زمانی ناهماهنگ است. عنصر سوم یا عنصر منعطف و پویا در ترکیب هر جامعه دو ساختار اساسی دارد: یکی ساختار چهاربُعدی و دیگری ساختار سه‌بُعدی.

ساختار چهاربُعدی عبارت است از ساختاری که به‌موجب آن، طبیعت و انسان با انسان پیوند می‌خورند و این سه بعد اگر با بُعد چهارمی ارتباط حاصل کنند، ساختار چهار بُعدی پدید می‌آید. این بعد و طرف چهارم داخل در چارچوب جامعه نیست و در خارج آن قرار دارد، لیکن یکی از پایه‌ها، ستونها و پشتوانه‌های اصلی و اساسی روابط اجتماعی به‌شمار می‌آید. قرآن کریم همین ساختار چهار بُعدی را در روابط اجتماعی تحت نام «جانشینی» مطرح می‌کند.

در تجزیه و تحلیل جانشینی، به وجود چهار بُعد کاملاً محسوس پی می‌بریم. بعد چهارم جانشین‌کننده (کسی که از او نیابت شده است) است. یعنی جانشین‌کننده‌ای نیز باید وجود داشته باشد تا جانشینی تحقق پذیرد. بدین ترتیب در پدیده جانشینی وجود عناصری چون: جانشین‌کننده (خداوند)، جانشین شده (انسان: الف- در ارتباط با خدا و طبیعت، ب- در ارتباط با یکدیگر و طبیعت) و آن‌چه که جانشینی باید روی آن به‌عمل آید (زمین یا طبیعت) کاملاً محرز و مشخص است. بدون وجود جانشین‌کننده، جانشینی مفهومی نخواهد داشت. برای کل زندگی و هستی، هیچ سروری، هیچ صاحبی و هیچ سلطان حقیقی‌ایی، جز خداوند تبارک و تعالی متصور



**تعلیم و تربیت اکنون جزء اساسی هر کوششی است که به منظور رشد جامعه و پیشرفت بشر به عمل می آید و نقش مهم و روزافزونی در تنظیم سیاستهای ملی و بین‌المللی ایفا می‌کند. این امر توجیه‌کننده اهمیت حیاتی بازدهی آموزشی، صرف‌نظر از شرایط محیط برای حفظ و افزایش ثروت ملی است**

خانواده، سیاست، اقتصاد، هنر، وسایل ارتباط جمعی و بالاخره فناوری نام برد.

آموزش و پرورش در معنی وسیع خود دربرگیرنده تعلیماتی است که در تشکیلات رسمی ارائه می‌شود و اختصاصاً به مسائلی در زمینه مدارس و آموزشگاهی محدود است. پس از جنگ جهانی دوم، تعلیم و تربیت از نظر مخارج به عظیم‌ترین فعالیت جهانی تبدیل شد. از آنجا که کار خطیر تعلیم و تربیت هر روز گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود، بودجه‌ای که به آن تعلق می‌گیرد، به‌هیچ‌وجه با گذشته قابل مقایسه نیست.

تعلیم و تربیت اکنون جزء اساسی هر کوششی است که به منظور رشد جامعه و پیشرفت بشر به عمل می‌آید و نقش مهم و روزافزونی در تنظیم سیاستهای ملی و بین‌المللی ایفا می‌کند. این امر توجیه‌کننده اهمیت حیاتی بازدهی آموزشی، صرف‌نظر از شرایط محیط برای حفظ و افزایش ثروت ملی است.

**امیل دورکیم** از ابتدای سلسله درس‌هایش در «سوربن» (۱۹۰۶)، دقیقاً علم آموزش و پرورش را به جامعه‌شناسی مربوط کرد. او با اعلام این مطلب که آموزش و پرورش منشأ و ماهیت اجتماعی دارد و با تعریفی که از آموزش و پرورش ارائه داده است، به‌وضوح موضع خود را در این مورد نشان می‌دهد. او می‌نویسد: «آموزش و پرورش فعالیتی است که توسط نسل‌های بزرگسال روی فسیلهایی که هنوز وارد زندگی اجتماعی نشده‌اند، صورت می‌گیرد. هدفش، ایجاد و رشد پاره‌ای از ویژگیها و اوضاع و احوال جسمی، فکری و اخلاقی است که جامعه سیاسی به‌طور کلی و محیط خاص کودکان از آنان انتظار دارد.»

بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴)، یعنی زمانی که بسیاری از دولتهای اروپایی اعلام کردند آموزش عمومی تا متوسطه اجباری است، چهار واقعه به این شرح به وقوع پیوستند که در جهت‌گیری آموزش به طرف علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی، مؤثر بودند: اجرای آموزش عمومی؛ تشکیل سازمانهای آموزشی؛ دگرگونی نقش خانواده؛ اوج‌گیری انقلاب صنعتی.

نیست و نقش انسان در صحنه زندگی فقط جانشینی و امانت‌داری است. هر رابطه‌ای میان انسان و طبیعت و انسان و سایر هموعانش به‌وجود آید، در جوهر و اصل و اساس خود، رابطه مالک و مملوک نیست، بلکه رابطه یک امین است نسبت به امانتی که به دستش سپرده شده است. جانشینی انسان به‌عنوان امانت‌دار را می‌توان یکی از سنتهای تاریخ دانست. «اقتباس از کتاب سنتهای اجتماعی و فلسفه تاریخ آیت‌الله شهید محمدباقر صدر»

### مفهوم جامعه‌شناسی و رفتار اجتماعی

اصطلاح «جامعه‌شناسی» در معرض تفسیرهای فراوان و گوناگونی قرار دارد. اما در متن حاضر به معنای علمی است که می‌خواهد از طریق تفهیم تفسیری رفتار اجتماعی، به تبیین علل، سیر و معلول‌های آن دست یابد.

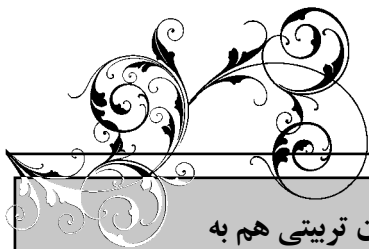
کردار فقط تازمانی «رفتار» انسانی تلقی می‌شود که فرد یا افراد عامل، به نوعی کنش که دارای معنای ذهنی است، دست می‌زنند. چنین رفتاری ممکن است درونی یا بیرونی باشد و نیز امکان دارد که کنش یا انصراف از آن را شامل شود. اصطلاح «رفتار اجتماعی» را در مورد فعالیت‌هایی به‌کار خواهیم برد که برحسب معنا و مقصودی که افراد عامل برای آن قائل هستند، با رفتار دیگران مرتبط باشد و براساس آن جهت‌گیری شود.

### اهمیت جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

انسان در ارتباط با عناصر اطراف خود قادر به رفع نیازهای اجتماعی خویش است. در این روند، «پدیده‌ها» و «نهادهای اجتماعی» به‌وجود می‌آیند و زندگی اجتماعی انسانها پیوسته در ارتباط با این نهادهای اجتماعی است. آموزش و پرورش یکی از نهادهای اجتماعی است که «ماهیت انسانی» تکوین شخصیت فرد و زندگی اجتماعی رابطه مستقیم دارد و با هر گونه تحرک و دگرگونی اجتماعی در تعامل است.

آموزش و پرورش نهادی اجتماعی است که در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی عمل می‌کند. مطالعه در رشته جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به‌حدی تازه است که برحسب کشورها و مؤسسات آموزشی مختلف، نامش هم متفاوت است؛ مانند جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه و تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش اجتماعی، یا جامعه‌شناسی تربیتی.

در چکیده کارهای **هانری ژان**، جامعه‌شناس آموزش و پرورش، این رشته چنین تعریف شده است: جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش عبارت است از مطالعه نهادها و روابط اجتماعی در ارتباط با آموزش و پرورش. از نهادهایی که با آموزش و پرورش رابطه‌ای ناگسستنی دارند، می‌توان از دین،



**روان‌شناسان تربیتی هم به کارکردهای رفتار انسان علاقه‌مند هستند. در واقع مطالعه هوش و ویژگی‌های جسمی و روانی معلم و شاگرد در رابطه با یکدیگر، مایه اصلی روان‌شناسی تربیتی است. اما در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، علاوه بر جریان یادگیری، رابطه معلم و شاگرد نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد**

علاقه‌مند هستند. در واقع مطالعه هوش و ویژگی‌های جسمی و روانی معلم و شاگرد در رابطه با یکدیگر، مایه اصلی روان‌شناسی تربیتی است. اما در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، علاوه بر جریان یادگیری، رابطه معلم و شاگرد نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. باید در نظر داشت که این جریان درون یک سیستم یا خرده‌نظام قرار دارد که مدرسه نامیده می‌شود. چنین خرده‌نظامی در ارتباط با نظام آموزش و پرورش و در ارتباط با قوانین و مقررات و خط‌مشی‌های از پیش اندیشیده شده‌ای که بر فرایند آموزش و تعامل معلم و شاگرد در مدرسه تأثیر می‌گذارد. نظام آموزش و پرورش نقش مهمی در شناساندن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به شاگردان دارد. به‌علاوه، آنها را برای قبول مسئولیت و مشاغل اجتماعی در آینده آماده می‌سازد و از همه مهم‌تر، عامل مؤثری در پایگاه اجتماعی آنان و وضعیتشان در نظام قشربندی اجتماعی است.

برخی موضوعات مورد مطالعه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارت‌اند از:

۱. رابطه جامعه و آموزش و پرورش با تأثیر اهداف و مفهوم جامعه‌شناختی به نظامهای آموزشی؛
۲. افزایش روزافزون نیازهای آموزشی و؟؟؟ برنامه‌ریزی؛
۳. اثر شرایط محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، روی بازده آموزشی و ظرفیت اجتماعی آن؛
۴. رابطه ساختارهای داخل مدرسه و کلاس درس، هم‌چون یک واحد اجتماعی و رابطه آن با محیط؛
۵. وضعیت بروکراسی نظام آموزشی جامعه، چگونگی روابط قدرت و نفوذ در سطوح متفاوت سازمانهای آموزشی، روابط برنامه‌ریزان، مدیران و معلمان و اثرات حاصل از چنین سازوکاری بر عملکرد نظام آموزش و پرورش؛
۶. شکستهای اجتماعی آموزش، به‌ویژه فرار و بیزاری از مدرسه و بزه‌کاریها و انحرافات دوره جوانی؛

## قلمرو جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

همانند سایر رشته‌های جوان، رشته جامعه‌شناسی آموزش و پرورش هم باید علی‌الاصول مرز خود را با علومی که قبل از آن وجود داشته‌اند و با آن ارتباط دارند، مشخص کند. در این زمینه نکاتی به شرح زیر را می‌توان مطرح کرد: ۱. آن‌چه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را از روان‌شناسی اجتماعی جدا می‌کند، این است که یادگیری اجتماعی براساس مطالعه تجربی رفتارها، نگرش‌ها، و پیش‌داوریهای اساسی در قلمرو روان‌شناسی اجتماعی است، درحالی‌که در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، سازمانهای پژوهشی اساساً متوجه مسائل و مشکلات آموزشی هستند و مطالعاتشان براساس روشهای آموزشی در ادراک جهانی آن است.

**استونزل**، روان‌شناس اجتماعی فرانسه، این تفاوت را در مبحث آموزش اجتماعی چنین تعریف می‌کند: «جریان کار در مدرسه تنها برای جوانان این فرصت را فراهم نمی‌کند که در چند ماه یا چند سال تعداد معینی از مواد درسی را مرور کنند، بلکه آنها را با هنجارهای محسوس و عینی و کارهایی که در بزرگسالی در مشاغل مربوط در انتظارشان است، آشنا می‌سازد.»

باید توجه داشت که تأثیر تعلیمات آموزشی در مدرسه‌های مخصوصاً در تکوین فرد، دیر ظاهر می‌شود. و یادگیری خانوادگی و اجتماعی پیش از آن صورت می‌گیرد. البته این یادگیری به اندازه تعلیمات آموزشی آگاهانه نیست و به‌صورت نهاد در نمی‌آید، اما در امر فرهنگی کردن فرد بسی مهم‌تر از تعلیمات مدرسه‌ای است.

۲. تمایز قائل شدن میان تاریخ آموزش و پرورش با آموزش و پرورش تطبیقی، گاه بسیار مشکل است، به‌خصوص وقتی که این رشته‌ها کارهایشان را با اصول مسلم جامعه‌شناسی جهت می‌دهند.

۳. تفاوت روان‌شناسی یادگیری جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در این است که از نظر روان‌شناسی یادگیری، در کار آموزش و پرورش دو عامل یا ترکیبی از این دو عامل بیش از همه اهمیت دارند: یکی رشد طبیعی، و دیگری انگیزش. زیرا در پرتو این عوامل است که دگرگونی در شاگردان ایجاد می‌شود. منظور از رشد طبیعی، توانایی‌ها و پیشرفت‌های تازه‌ای است که بر اثر گذشت زمان، یعنی از یک مرحله سنی تا مرحله دیگر در فرد پدید می‌آید و او را به انجام کارهایی توانا می‌سازد که پیش از آن از بهره‌او بر نمی‌آمد.

۴. روان‌شناسان تربیتی هم به کارکردهای رفتار انسان

۷. تغییرات و دگرگونیهای اجتماعی و رابطه آن با آموزش و پرورش؛

۸. نظام قشربندی و تحرک اجتماعی و آموزش و پرورش.

\* اقتباس از جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، دکتر

محمد رسول گلشن فومنی

### جامعه‌شناسی کلاس درس

مطالعات مربوط به یک گروه کوچک را به‌راحتی می‌توان در کلاس درس درخصوص رابطه بین معلم و دانش‌آموز اجرا کرد. در واقع، گروه کلاسی یکی از مهم‌ترین گروه‌ها در زندگی کودک است. در این گروه، بسیاری از نیازهای کودک برآورده می‌شوند و او نکات بسیاری را یاد می‌گیرد.

گروه کلاسی می‌تواند (البته نه در همه شرایط) یک گروه اولیه باشد، ولی مدرسه یک گروه ثانویه است. می‌توان گفت گروه کلاسی تمام ویژگی‌های گروه اولیه مورد نظر کولی را داراست؛ یعنی:

\* اعضا دارای روابط رودررو هستند.

\* تعداد اعضا محدود است.

\* بین اعضا برای مدت زمان نسبتاً طولانی، رابطه‌ی تعاملی حاکم است.

البته اگر بخواهیم معلم را هم به این گروه اضافه کنیم، این گروه دیگر گروه اولیه نیست. معلم به همراه خود اقتدار رسمی سازمان مدرسه را وارد کلاس می‌کند. این موضوع وضعیت کلاس درس و به‌خصوص وضعیت روابط را در کلاس تغییر می‌دهد [جانسون، ۱۹۷۰]. تنها زمانی می‌توان کلاس درس را یک گروه اولیه کامل محسوب کرد که تمام شرایط زیر در آن حاکم و صادق باشد:

۱. اعضا دارای اهداف مشترک باشند. از دیدگاه دانش‌آموزان، کار معلم تدریس است، هرچند ممکن است او به کار خود صرفاً به‌عنوان ابزار کسب درآمد نگاه کند. پس بین اهداف معلم و اهداف دانش‌آموزان اختلاف هست و به همین دلیل ترجیح دارد رابطه بین معلم و دانش‌آموز را رابطه‌ای ثانویه دانست نه اولیه.

۲. اگر قرار است گروه از نوع اولیه باشد، افراد باید به دیگران و روابط خود با آنها مثل هدف بنگرند نه وسیله. کودکان یک کلاس اغلب به یکدیگر مانند دوست می‌نگرند، ولی معلم به‌اصوح در مدارس راهنمایی و متوسطه چنین نگرشی به دانش‌آموزان ندارد.

۳. اعضای گروه اولیه غالباً اطلاعات درونی بسیاری در مورد یکدیگر دارند (مانند اطلاعاتی که والدین از کودک خود دارند)، ولی اطلاعات معلم از دانش‌آموز محدود و خاص است.

۴. کنترل در گروه اولیه غیررسمی است، لذا افراد احساس آزادی دارند. ولی در گروه ثانویه، کنترل رسمی است و افراد نوعی فشار و قید و بند خارجی نسبت به رفتارهای خود احساس می‌کنند. کنترل موجود در میان خود دانش‌آموزان از نوع غیررسمی است، ولی کنترل معلم بر دانش‌آموزان، رسمی است. برخی از معلمان سعی می‌کنند که با دانش‌آموزان خود رابطه‌ای از نوع گروه اولیه برقرار کنند، ولی نکته مهم این است که رابطه معلم با دانش‌آموز همیشه دارای ضمانت اجرای رسمی و فشار خارجی است. پس اگر فقط به دانش‌آموزان توجه کنیم، کلاس درس یک گروه اولیه است، اما با وارد کردن معلم، کلاس درس یک گروه ثانویه تبدیل می‌شود. این شرایط فقط به کلاس درس منحصر نیست، بلکه در بسیاری از حوزه‌ها چون صنعت و... یافت می‌شود.

کودک وقتی از حریم خانواده پا به محیط مدرسه می‌گذارد، در واقع از یک گروه اولیه وارد یک گروه ثانویه می‌شود. این انتقال آسانی نیست. انتقال از مدرسه ابتدایی به مدرسه راهنمایی نیز همین وضعیت را دارد، البته نه تا بدان حد مشکل. از لحاظ رسمی، گروه کلاسی یک گروه کاری است ولی به‌طور غیررسمی، یک گروه دوستی نیز به‌شمار می‌رود. به‌عنوان یک گروه کاری، کلاس درس مشترکات زیادی با سایر گروه‌های کاری دارد، ولی تفاوت‌هایی نیز وجود دارد:

الف) کلاس درس منحصر به فرد است، زیرا هدف آن ایجاد تغییر در خود اعضای گروه است، در حالی که گروه‌های شغلی درصد ایجاد تغییر در اشیا هستند، نه در خود افراد. ب) اعضای کلاس درس گروه هم‌سالان را تشکیل می‌دهند، زیرا همگی آنها معمولاً سن، نیازها و علائق مشابه دارند، ولی در گروه‌های موجود در یک کارخانه چنین تجانس و مشابهتی دیده نمی‌شود.

ج) برخلاف اکثر گروه‌ها، اعضای گروه کلاسی مجبورند در کلاس درس حاضر باشند. یعنی عضویت اجباری است و دانش‌آموزان نمی‌توانند در مورد حضور یا عدم حضور در کلاس تصمیم بگیرند. حتی والدین نیز در این زمینه حقوق محدودی دارند، در حالی که در یک کارخانه، ضمانت اجرا برای حضور اقتصادی است.

### پی‌نوشت

۱. Coley

اقتباس از وبر، ماکس. مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی.